

سخن ثبوتی در سلسله سخنرانی‌های آزاد حکمی و فلسفی (نشست ششم: تقوای علوم تجربی) ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

بار فرهنگی دانش‌ها و فناوری‌های نوین^۱

به اعتبار آراء صاحب‌نظران در علوم اجتماعی، ابن‌خلدون از اولین متفکرینی است که در مبانی دانش جامعه‌شناختی تأمل کرده و از اصول حاکم بر آن سخن به میان آورده است. ابن‌خلدون در «مقدمه» (۱) خود، عامل تحول‌های اجتماعی در اقوام مختلف را «عصبیت» می‌نامد. با کلمات امروزی، عصبیت گونه‌ای آمادگی اجتماعی است که در یک قوم برای پذیرش یک نظر یا رفتار به‌وجود می‌آید و به‌صورت ارزشی قومی و ملی برای نیل و تعالی بخشیدن به آن تجلی می‌کند.

دو مثال ابن‌خلدون از پذیرش اسلام توسط جامعه جاهلی عرب و سقوط جامعه اشرافی ساسانی آموزنده و قابل‌توجه است. به نظر او عرب جاهلی، بسیار پیش از آنکه رسول اله ندای توحید سر دهد، خود را به وفای عهد و احترام به قول و قرارهای قبیله‌ای و میان‌قبیله‌ای متعهد کرده بود. تجلی این تعهد نیز در مراعات ماه‌های حرام و آداب حج جاهلی متجلی می‌شد که اقلاً به مدت چند روز هیچ عمل تخریبی حتی در حد آزدن حشرات مودّی از وی سر نمی‌زد. وجود چنین آمادگی و عصبیت به عرب امکان داد که آموزه‌های اجتماعی و اخلاقی حضرت رسول را بتواند درک و جذب کند و در فاصله زمانی بسیار کوتاه که در قیاس با زمان‌های تاریخی به چشم بر هم زدن باید تعبیر شود خود را به یک جامعه صاحب اصول و معیارهای نو و از نظر فرهنگی مهاجم متحول سازد. به نظر ابن‌خلدون سقوط جامعه ساسانی نیز درست به این خاطر بود که آنچه را عرب سعی می‌کرد بزرگ‌بارد، یعنی احترام به تعهدات و به کلمات امروزی گونه‌ای قانون‌گرایی، ایران ساسانی سال‌ها بود از خود دور کرده بود.

ابن‌خلدون در ۸۰۶ یا ۸۰۸ هجری هم‌زمان با شروع قرن پانزدهم میلادی دیده فرو بست. رنسانس اروپا و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی و علمی و صنعتی آن را ندید. اگر می‌دید شاید در قالب عصبیت «تعهد به جستجوی علت و معلول» و «دوری جستن از تفکر عبودی» نوزایی اروپا را توجیه و تعلیل می‌کرد. اروپا در آستانه گذر از قرون تاریک در یک فاصله زمانی کوتاه تفکر ارسطویی را از خود تکاند، آموزه‌های دستوری کلیسا را با شدت و وسواس از خود دور کرد. به دنبال علت آنچه که می‌دید گشت. به مرحله ابداع رسید. از نوآوری به وجد آمد و جستجوگری و تأمل در ظرایف و

دقایق همه شئون زندگی‌اش را به‌صورت خواست همگانی درآورد. در حوزه حکمت طبیعی، یعنی علوم پایه رایج زمان ما همانند فیزیک و شیمی و بیولوژی و غیره، متعهد شد هر آنچه را که حکم می‌کند به رأی‌العین نشان دهد و اگر چنین کرد آن وقت ادعای اعتبار کند. چنین است که غرب توانسته است دانش‌ها و تکنولوژی‌های نو را بیافریند و متناسب با آن نهادهای اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی امروزی را بنا نهد. از قبیل قدرتی که از این راه بدست آورده در جوامع غیرغربی صاحب نفوذ جامع‌الاطراف شده است. نه فقط دانش و فناوری، بلکه همراه با آن، فرهنگ تاریخی و آداب و عادات روزمره خود را نیز به غیره غربی عرضه می‌کند و او هم طوعاً و کرهاً پذیرا است

غرض از این مقدمه مبسوط بر «مقدمه» ابن‌خلدون این است که نتیجه‌گیری کرده باشم که اولاً هرگونه تحول تأثیرگذار و همه‌جانبه در شئون اجتماعی یک قوم نخست باید به صورت خواست همگانی در آید و تکاپوی همگان را در رسیدن به آن پشتوانه داشته باشد. تشبّه به دیگران و نسخه‌برداری از رفتار و کردار آنها و خرید دانش‌ها و فناوری‌های جوامع پیشرفته، جامعه خودی را به کمال نخواهد رساند. ثانیاً دانش‌ها و فناوری‌های نوین از نظر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خنثی نیستند. بر آداب و عادات و سنت‌های جامعه مصرف‌کننده سنگینی می‌کنند و تجدید نظر در آنها را می‌طلبند. به کارگیری کارآ و مقتصدانه و عاری از تنش از دانش‌ها و فناوری‌های نو نیز در گرو دو شرط خواهد بود. نخست آنکه جامعه در خلق جهانی آنها سهیم باشد تا بتواند بر تکنولوژی مسلط شود، در بروز نارسایی‌ها به هنگام چاره‌بینی‌شد و مالا خود صاحب‌نظر و سندیت شود. دوم آنکه الزامات فرهنگی و ارزشی آنها را بشناسد و برای کنار آمدن با آنها آماده باشد. در مورد اول، در اینکه خلاقیت علمی و تکنولوژیکی برای پویایی جامعه از ضرورت‌هاست سخن بسیار گفته شده است. تأکید در باقیمانده این مقاله بر نکته دوم خواهد بود که تکنولوژی و دانش نوین از نظر ارزش‌های فرهنگی و سنت‌های اجتماعی خنثی نیست و تبعات خوش‌آیند دارد. برای روشن شدن مطلب به ذکر چند مثال مبادرت می‌شود.

۱- علی‌الظاهر دارو و درمان نوین مطلوب است و هیچ منع اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی از دید هیچ کس اعم از خواص و عوام ندارد. در ایران ما هم از یک‌صدوپنجاه سال پیش کم‌وبیش بدون مقاومت مورد استقبال قرار گرفته است. ولی در همین مدت سبب شده

۱. مجموعه مقالات همایش علم و فناوری - آینده و راه‌بردها، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، جلد ۱، صفحات ۴۴-۴۲، ۱۳۷۹. چهره‌های ماندگار: دکتر یوسف ثبوتی، ۱۳۸۳، صفحات ۸۳-۷۷

تاریخی ما اعم از اعتقادی و غیر آن وجود ندارد. حتی صاحب‌نظران در موارد اختلاف از تکفیر و تفسیق هم‌ترازان خود ابا نداشته‌اند و ندارند. تکفیر ابوعلی سینا و فارابی توسط امام غزالی (۲) به‌خاطر نظرات فلسفی آنها، بدگویی ابوریحان بیرونی از محمد ذکریای رازی (۳) به‌سبب (به نظر ابوریحان) بدباوری‌های رازی، حکم‌الحاد و مهدورالدم بودن شیخ اشراق، سهروردی توسط علمای حلب (۴) به‌خاطر مغایرت حکمت اشراق وی با نظرات آنها مشتی از خروار در این مقوله است. از این نظر دانشجوی دانشگاه با طلبه حوزه در مقابل هم قرار می‌گیرند. اولی آموزش دیده است که پرسشگر باشد و هیچ قول و حکمی را نهایی و غیرقابل تغییر نداند و دومی متعهد شده است که متعبد باشد و حریم باورها را پاس بدارد. هم از این نظر است که حوزه و دانشگاه علی‌رغم همه حسن‌نیت‌ها و پیش‌گامی‌ها از هر دو طرف نتوانسته‌اند توفیق چشم‌گیری در نزدیک شدن به همدیگر داشته باشند. و باز به همین خاطر است که در ماه‌های اخیر بعضی از بزرگان و پاسداران حریم باورها به زبان آورده‌اند که در هدایت و سوق جوانان به سمت ایده‌آل‌های موردنظر توفیق حاصل نشده است. اکنون اجازه می‌خواهم از آنچه تاکنون گفته‌ام نتیجه‌گیری کنم:

خلاقیت علمی و تکنولوژیکی به معنای کلمه یعنی نوآوری نواندیشی و نوجویی. دستیابی به فناوری جدید یعنی به‌کار بردن ابزارها و روش‌هایی که در گذشته تاریخی و یا بلافصل جامعه سابقه ندارد. اجتماعی که پذیرش نوآوری و تحمل سنت‌شکنی را ندارد و ترجیح می‌دهد در چارچوب عادات و آداب مرسوم خود عمل کند مشکل بتواند به خلاقیت علمی و تکنولوژیکی دست بیابد و مشکل‌تر بتواند از تکنولوژی خریداری شده‌اش، استفاده مقصدانه و درست بکند. جامعه ما از اوان آشنایی با غرب، کم‌وبیش از حدود یک‌صدوپنجاه سال پیش، شیفته و مسحور علوم و فنون جدید بوده است. در تحصیل آن سرمایه می‌گذارد، برنامه می‌ریزد. وقت صرف می‌کند و رنج می‌برد ولی آخر سر می‌بیند آن‌طوری که دلش می‌خواهد شاهد مقصود را در آغوش نمی‌کشد. ناکام است، از خودی ملامت می‌شود و از بیگانه وهن می‌بیند. به نظر این کم‌ترین همه اینها به‌خاطر این است که به تبعات و الزامات نوآوری‌ها و نوجویی‌ها بی‌توجه است. چاه‌نکننده منار می‌دزدد. می‌توان ناکامی‌ها و بروز تنش‌ها را از این منظر هم دید و از متهم کردن همدیگر به الحاد، خودفروختگی، خودباختگی، خیانت به تاریخ و ملت و معتقدات، جمود فکری و عوام‌فریبی و انواع نام‌های دیگر پرهیز کرد. می‌توان ریشه مشکلات را در خارج از انسان‌ها، اعم از بیگانه و باگانه، هم جستجو کرد و فارغ از حب و بغض و عواطف له و علیه انسانی در رفع آنها گام برداشت

است که جمعیت چند میلیونی کشور به شصت‌وچند میلیون افزایش یابد. در جهت کنترل جمعیت تجویز و عملاً تحمیل شده است که جوانان تا سنین بیست‌وچند سالگی دور و بر انتخاب همسر نگردند. ولی فراموش شده است که جوانی نیازهای خدا آفریده دارد و برآوردن آنها را می‌طلبد. از سوی دیگر جامعه بر آداب و عادات و باورهای یکصد سال پیش پافشاری می‌کند. جدایی زن و مرد را می‌خواهد و آمادگی مصالحه را ندارد.

۲- مشارکت زن و مرد در محیط‌های تجاری و صنعتی و اداری و آموزشی لازمه زندگی امروزی است. بالطبع دیدن و دیده شدن زن و مرد را بدنبال دارد. با سنت محصور بودن زن در چاردیواری خانه در تعارض است. مشارکت زن و مرد در خارج از خانه در کشور ما تحقق پذیرفته است. ولی هنوز که هنوز است در مورد لباس و نحوه برخورد زن و مرد الگوی عاری از تنش پیدا نشده است و چه توانی که صرف آن نمی‌شود.

۳- آموزش همگانی در هر مقطع سنی و در هر موضوع علمی، فنی و اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی مطلوب است و از سوی همه مقامات دولتی، قضایی و مذهبی تجویز می‌شود. ولی تکثیر مکاتبات فکری را به دنبال دارد که جامعه در پذیرش بخش‌هایی از آن تردید دارد.

۴- تکنولوژی‌های اطلاع‌رسانی و ارتباط جمعی از خدمات پستی و تلفن و تلگراف گرفته تا رادیو و تلویزیون و ماهواره و پست الکترونیکی و اینترنت و تا روزنامه و کتاب و نشریات ادواری هر کدام که در غرب به‌وجود آمده‌اند اندک زمانی بعد در کشور ما نیز به‌کار گرفته شده‌اند. ولی آمیختن با فرهنگ‌های دیگر و مخصوصاً فرهنگ‌های غربی را در پی داشته‌اند که در موارد بسیار مطلوب جامعه نبوده است. در کشورهایی همانند ما همیشه چاره در این دیده شده است که سازوکاری بر جریان اطلاعات نظارت کند و آنچه را خوشایندش نیست جلو بگیرد.

۵- در این میان به نظر این کمترین بحث‌انگیزترین عامل تنش‌ها در جوامعی نظیر جامعه ما اصول رایج در دانش‌های بنیادی است. دانش‌ها و فناوری‌های جدید که ریشه در معارف سنتی ما ندارند از محسوسات صحبت می‌کنند. بر رابطه علت و معلول تأکید دارند. احکام نهایی خود را با میزان تطابق آنها با مشاهدات ارزیابی می‌کنند. نه تنها از جزمیت‌گریزانند بلکه در هر حکمی تشکیک و تردید را ترجیح می‌دهند. در موارد بروز اختلاف بین صاحب‌نظران منطق ریاضی و اگر نشد مشاهدات عینی مستقیم و غیرمستقیم به داوری خواسته می‌شوند. چنین خصوصیتی در معارف سنتی و

منابع

۱. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن، کتاب العبر و دیوان المبتد و الخبر فی‌ایام العرب و العجم و البربر - جلد اول مقدمه
۲. غزالی، ابوحامد محمد، المنقذ من الضلال
۳. بیرونی، ابوریحان محمد، فهرست کتب رازی به نقل از غضنفر تبریزی، تصحیح و تعلیق دکتر مهدی محقق، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶
۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، بخش اعلام، مدخل سهروردی